



مقایسه تطبیقی انقلاب چین، الجزایر و انقلاب اسلامی ایران

احمد مؤمنی راد*

چکیده

وجوه اشتراک و افتراق بین سه انقلاب بزرگ قرن بیستم، انقلاب ۱۹۴۹ چین، ۱۹۶۲ الجزایر و ۱۹۷۹ ایران مسأله‌ای است که این مقاله در صدد بررسی و واریسی آن است. ایدئولوژی، رهبری، اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی این انقلابها در حین به ثمر رسیدن آنها، از زمینه‌هایی است که مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج حاصله از این تحقیق نشان می‌دهد که ایدئولوژی حاکم بر انقلاب ایران و الجزایر اسلام ولی ایدئولوژی انقلاب چین مارکسیسم لنینیسم بوده است در حالی که امام خمینی (ره) و مانو رهبران مقتدر و بلامنزاع در انقلاب چین بوده‌اند، طیفی از رهبران در طول سالهای مبارزه رهبری مبارزات مردم را در الجزایر بر عهده داشته‌اند. در حالیکه انقلاب اسلامی ایران رژیم استبدادی شاهنشاهی و انقلاب کمونیستی چین رژیم فاسد ملی‌گرا را در این کشور ساقط نمود مبارزات استقلال طلبانه مردم در الجزایر بر علیه سلطه خارجی، استعمار فرانسه، شکل گرفت. انقلاب چین با تکیه بر دهقانان و کارگران به پیروزی رسید در حالی که اتحاد مردم از طیف‌های مختلف در انقلاب ایران و الجزایر حضور چشمگیر داشتند در مجموع این سه انقلاب وجوه اشتراک و افتراق زیادی با یکدیگر دارند.

کلمات کلیدی: انقلاب، چین، الجزایر، ایران

مقدمه

معرفی اجمالی:

انقلاب ۱۹۴۹ میلادی چین:

کشور پهناور و پرجمعیت چین دارای سابقه تاریخی و فرهنگ طولانی است. از خصوصیات فرهنگی مردم چین استقلال و عدم وابستگی به بیگانگان بوده است. غارتگران غربی که به این خصوصیات فرهنگی چین پی برده بودند، به فکر نفوذ به آن کشور برآمدند. تریاک و تجارت پر منفعت آن وسیله‌ای برای نفوذ در آن کشور شد. و سرانجام منجر به جنگ تریاک بین انگلستان و چین در ۱۸۳۹ م. شد. شکست در جنگ تریاک سرآغاز نفوذ کشورهای دیگر شد، بطوری که تا ۱۸۸۹ م. تمام سواحل و بندرهای چین طبق قراردادهایی به مدت ۲۵ تا ۹۹ ساله در اختیار استعمارگران قرار گرفت. نفوذ بیگانگان، توسعه و رواج تجارت تریاک، نابودی سیستم اقتصاد کشاورزی، توسعه شهری وجود ده میلیون معتاد، نابودی صنایع و محصولات داخلی از یک سو و فساد دربار خاندان منچو، شکست در جنگ با ژاپن، استقلال شبه جزیره کره و تصرف چندین جزیره چین به وسیله ژاپن از سوی دیگر، باعث جنبش‌ها و شورش‌هایی در این کشور شد. سرانجام در ۱۹۱۱ م. خاندان منچو به رهبری سون یات سین سرنگون و رژیم جمهوری در آن کشور تشکیل گردید.

مبارزه بین حزب کمونیست چین به رهبری

انسان پیچیده‌ترین مخلوق خداوند است و «انقلاب» نیز به عنوان یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی شناخته شده است، هر یک از انقلابهای بزرگ جهان در شرایط زمانی و مکانی خاص خود رخ داده است و انقلابیونی که در این انقلاب‌ها شرکت کرده و آن را به پیش برده‌اند دارای اندیشه‌ها، افکار، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و اهداف متفاوتی بوده‌اند و عکس‌العملهای متناسب با شرایط جامعه و عملکرد حاکمیت از خود بروز داده‌اند. از این رو مقایسه بین انقلابها کاری است دشوار و پیچیده، این مقاله در صدد آن است که با بررسی ابعاد گوناگون دو انقلاب بزرگ قرن بیستم که با فاصله زمانی نه چندان زیاد از یکدیگر در دو نقطه از جهان با دو گرایش متفاوت حادث شده‌اند، شناخت بیشتری از آنها به دست داده و آنها را با یکی دیگر از انقلاب‌های بسیار مهم قرن بیستم که در اواخر دهه ۷۰ در خاورمیانه اتفاق افتاده است مقایسه کند. در این مقایسه ابتدا سه انقلاب به صورت اجمالی معرفی شده و سپس مسأله ایدئولوژی و رهبری آنها بررسی و مقایسه می‌شود و آنگاه با تشریح اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی هر یک به صورت خلاصه و جوه اشتراک و افتراق بین آنها احصاء شده و مقایسه‌ای کلی و تطبیقی صورت گیرد.

اصلی چین شد و در سازمان ملل هم با عضویت چین کمونیست مخالف می‌کرد ولی سرانجام تسلیم واقعیات شد و پس از شکست در ویتنام، باب روابط با چین را گشود و نماینده چین وارد سازمان ملل شد. پیروزی انقلاب چین در سال ۱۹۴۹، دومین انقلاب کمونیستی بعد از انقلاب روسیه بود.

یکی از مهمترین حوادثی که بعد از انقلاب چین رخ داد انقلاب فرهنگی آن کشور به رهبری مائو رهبر حزب کمونیست این کشور بود که از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ طول کشید. هدف مائو بازگرداندن آن قسمت از حیات فرهنگی و سیاسی چین به خط اصیل ایدئولوژیکی بود که از راه اصلی منحرف شده بود. مائو معتقد بود که اگر این انحرافات را نادیده بگیرد بتدریج ضربه هولناکی بر مرام مارکسیسم - لنینیسم خواهد خورد. لذا از مردم و خصوصاً گاردهای سرخ که بدین منظور از جوانان متعصب و مغرور تشکیل شده بود، خواست که مقامات حزبی و دولتی را که متهم به لغزش و انحراف بودند مورد چون و چرا قرار دهند، آنان نیز هر مقامی را که خیال می‌کردند از خط مائو و اندیشه‌های او جانبداری نمی‌کند مورد انتقاد و بازجویی و افشاگری قرار می‌دادند. هر چند هدف مائو در این میان تأمین شد ولی انقلاب فرهنگی اختلالی عظیم در صنایع و کشاورزی چین

مائو تسه تونگ با ملی‌گرایان در حزب کومین تانگ به رهبری چیان کای چک برای اداره کشور از دهه ۱۹۲۰ آغاز شد شورش دهقانان در سال ۱۹۲۷ به رهبری مائو سرآغاز مبارزه‌ای جدی به شمار می‌رود. هنگامی که در سال ۱۹۳۷ ژاپن به خاک چین حمله کرد کمونیست‌ها به دنبال هزیمت نیروهای ژاپن، اسلحه فراوانی به دست آوردند. رهبران حزب کومین تانگ به واسطه بی‌کفایتی و فساد بتدریج حمایت مردمی را از دست دادند ولی از حمایت‌های آمریکا به دلیل اهدافی که در آن منطقه داشت برخوردار بودند. آمریکا، هزاران مستشار نظامی را به ریاست جورج مارشال وزیر خارجه سابق آن کشور همراه با میلیاردها دلار اسلحه به سوی چین سرازیر کرد تا از چیان کای چک حمایت کند. ولی این حمایت‌ها سودی به حال ناسیونالیست‌ها نبخشید و آنان شکست‌های فاحشی را متحمل شدند و چیان کای چک مجبور شد تا با همراه دو میلیون طرفدارانش به تایوان فرار کند. در سال ۱۹۴۹ مائو و قوای پیروزمند او وارد پکن شده و تشکیل حکومت جمهوری خلق چین را اعلام کردند. آمریکا علیرغم اینکه می‌دانست عامل اصلی سقوط حکومت چیان کای چک فساد بوده است. ولی برای تأمین منافع خود، دست از حمایت او برداشت و در فرمز او را به تشکیل حکومت مائو و پیوستن آن به خاک

حجاب محکم‌ترین سد در پیش پای اشغالگران فرانسوی‌ها بود لذا آنان تلاشی فراوانی در راستای مقابله با فرهنگ اسلامی در این کشور آغاز کردند، شکار مبارزان و کشتار مردم مسلمان توسط نیروهای امنیتی و ارتش سرری فرانسه در سالهای متمادی اشغال و تجاوز کارنامه‌ای سیاه از استعمار را در الجزایر رقم زد. از سال ۱۹۴۵، مبارزه استقلال طلبانه مردم وارد دور تازه‌ای شد که تا سال ۱۹۶۲ ادامه داشت در این سال ملت پایدار و مقاوم این کشور با تحمل دردها و رنج‌های طولانی پس از ۱۳۲ سال مبارزه خونین به استقلال رسید و با دادن بیش از یک میلیون شهید شکستنی تلخ را نصیب استعمار فرانسه نمود. بدنبال اخراج اشغالگران حکومت جمهوری در این کشور تأسیس شد و فرحت عباس و احمد بن بلا به عنوان رهبران انقلاب زمام امر را به عهده گرفتند.

انقلاب اسلامی ایران:

بدنبال انحراف در جریان نهضت مشروطیت، در دوره قاجاریه، رضاخان پهلوی، به کمک انگلیسی‌ها سلسله پهلوی را تشکیل داد و مستبدانه تا سال ۱۳۲۰ حکومت کرد بعد از او محمدرضا فرزندش به سلطنت رسید و مبارزات مردم در سال ۱۳۳۲ او را مجبور به فرار از ایران کرد ولی با کودتای

پدید آورد و اختلاف و درگیری بین رهبران چین را افزایش داد و در بسیاری از نقاط برخورد‌های خونین که شبیه جنگ داخلی بود، پدید آورد^(۱).

انقلاب الجزایر:

بدنبال تحولات بین‌المللی، استعمار فرانسه در سال ۱۸۳۰ کشور مسلمان نشین الجزایر را اشغال کرد. مردم این کشور از همان آغاز مبارزات دلیرانه خود را به رهبری امیر عبدالقادر الجزایری شروع کردند پس از ۱۷ سال مقاومت، امیر عبدالقادر توسط فرانسوی‌ها به اسارت در آمد. از آن زمان به بعد تلاشهای جهادگونه مردم این کشور برای کسب استقلال دچار فراز و نشیبهای فراوانی شد زمانی سه نفر از رهبران مذهبی این کشور، عبدالحمید بن بادیس، بشیر الابراهیمی و طیب الاوقبی و سپس خالد نوّه امیر عبدالقادر هدایت مبارزات مردم را بر عهده گرفتند. فرانسویها با اعلام اینکه الجزایر بخشی تجزیه ناپذیر از فرانسه است سعی در تثبیت موقعیت خود و فرانسوی کردن الجزایر داشتند. اجرای سیاست «همانند سازی» یکی از اقدامات گسترده آنان در این راستا بود.... موج گسترده مهاجرت فرانسوی‌ها و اشغال خانه و کاشانه الجزایری‌ها نیز بمنظور تغییر بافت جمعیتی این کشور صورت گرفت. مکتب اسلام و نهادهای مذهبی آن همچون

و زمین داری عبور کرده و به دوره سرمایه داری رسیده‌اند، رخ می‌دهد. مشروط بر آنکه جامعه صنعتی و دو قطبی شده و فاصله طبقاتی نیز به شدت افزایش یافته و کارگران برای احقاق حق خود بر علیه حاکمیت قیام کنند. مائو در شرایطی که جامعه چین هنوز صنعتی نشده بود با تکیه بر دهقانان و کشاورزان انقلاب چین را رهبری کرد و فرضیه بالا را باطل اعلام کرد.

الجزایر:

گرچه اکثریت مردم الجزایر مسلمان بوده و با الهام از اندیشه‌های مذهبی مبارزه گسترده‌ای را بر علیه اشغالگران فرانسوی آغاز کردند و در طول سالیان متمادی مبارزه نیز همواره توسط رهبران مذهبی با تمسک بر فرهنگ اسلامی هدایت می‌شدند ولی در سالهای قبل از استقلال و بعد از آن، به علت عدم توجه کافی به اسلام اصیل در مبارزه از سوی رهبران، حرکت نهضت به سوی ناسیونالیسم و ملی‌گرایی شدید و سوسیالیسم گرایش پیدا کرد.

ایوان:

حضرت امام خمینی با توجه به آگاهی به نفوذ عمیق اسلام و فقه شیعه در میان مردم منمنان ایران تز جدایی دین از سیاست را مورد حمله قرار داده، اسلام را به عنوان بهترین ایدئولوژی انقلابی و ظلم ستیز مطرح کردند.

آمریکایی ۲۸ مرداد حکومتش تثبیت شد. مبارزات حضرت امام خمینی (ره) رهبر مذهبی مردم ایران در سالهای ۳۹ تا ۴۳ سبب شد که او به عراق تبعید شود و مبارزات با رژیم نسامشروع پهلوی را در تبعید ادامه دهد. حکومت شاه براساس استبداد فردی و توأم با فساد گسترده و براساس حذف تدریجی اسلام از صحنه اجتماع بود. این مسئله باعث مخالفت مردم و ناخشنودی آنان از حاکمیت فاسد و تحت سلطه بیگانه پهلوی شده بود.

با بازگشت امام خمینی به میهن، با تظاهرات خونین و راهپیمایی‌های چند میلیونی مردم در سالهای ۵۵ تا ۵۷ سرانجام در ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ در کمال ناباوری محافل بین‌المللی، رژیم شاهنشاهی ساقط شد و حکومت جمهوری اسلامی تشکیل گردید.

ایدئولوژی

چین:

ایدئولوژی و جهان‌بینی انقلاب چین، مارکسیسم - لنینیسم بود که به شکلی از انقلاب روسیه الهام گرفته شده بود. اما مائو نظریه مارکسیسم را تغییر داد و انقلاب آن کشور را با تکیه بر دهقانان از روستاها آغاز کرد و کارگران را هم با خود همراه ساخت.

مارکسیسم معتقد است که انقلاب در جوامعی که از دوره‌های کمون اولیه، برده‌داری

ویژگی حکومت اسلامی بر اساس مکتب تشیع که بر اصل ولایت فقیه استوار است به حاکمیت مطلق الهی بر همه شئون زندگی است.

واحد به انجام رساند^(۳).

الجزایر:

در الجزایر طیف وسیعی از رهبران رادیکال، میانه رو و اصلاح طلب با گرایشات اسلامی، ناسیونالیستی و سوسیالیستی وجود داشت که نهایتاً در سالهای قبل از استقلال برای دست یابی به هدفهای مورد نظر و غلبه بر دشمن مشترک، به طور موقت اختلافات را کنار نهاده و زیر چتر جبهه آزادی بخش ملی جمع شدند.

شیخ عبدالقادر الجزایری، عبدالحمید بن بادیس، بشیر الابراهیمی و طیب الاوقبی از زمره رهبران مذهبی به شمار می‌روند. مسألی حاج که از او به پدر ناسیونالیسم الجزایر نام می‌بردند و نیز فرهنگ عباس در شمار رهبران میانه‌رو و ملی‌گرای این کشور محسوب می‌شوند. العربی بو‌هالی نیز از جمله کسانی بود که طرفدار سوسیالیسم و کمونیسم بود اما «احمد بن بلا» شاخص‌ترین چهره در سطح رهبری انقلاب الجزایر محسوب می‌شود که بعد از روی کار آمدن به سوی سوسیالیسم و شوروی گرایش پیدا کرد. بعدها هواری بومدین او را با کودتایی برکنار کرد و جانشین او شد.

ایران:

امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۲ ه. ش و

رهبری

چین:

در ابتدای مبارزه با اینکه مائو به طور رسمی رهبر حکومت شورایی کیانگ سی بود، ولی قدرت نفوذ او در امور مربوط به حزب و ارتش هرگز کامل نبود، بلکه با قدرت روز افزون گروه بیست و هشت نفری بلشویک‌ها به رهبری وانگ مینگ و پوکو مرتباً تضعیف می‌شد. در بسیاری موارد نه تنها سیاست‌های مورد نظر مائو اجرا نمی‌شد، بلکه گاهی در متزلزل‌ترین موقعیت‌های سیاسی قرار می‌گرفت، و این حالت اخیر در آخرین سالهای عصر کیانگ سی به اوج خود رسید. در ژوئیه ۱۹۳۴ مائو از کلیه اختیارات حزب نظامی خود محروم شد و برای مدتی در خانه خود نیز تحت نظر قرار گرفت^(۲). ولی از سال ۱۹۳۵ به بعد از این روند تغییر کرد و مائو بتدریج به عنوان رهبری مقتدر و واحد در جامعه مطرح می‌شد. مائو در رأس حزب کمونیست چین انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹ را رهبری کرد و به مدت شانزده سال به عنوان ایدئولوگ، فرمانده کل عملیات و هم بعد از انقلاب معمار و سازنده انقلاب نقش خود را به عنوان یک رهبر

کشور به دست بحرانی و آشفته بود.

الجزایر:

در قرن بیستم الجزایر در طول سالهای مبارزه با استعمار به لحاظ مدیریت سیاسی دچار مشکل بوده است. جامعه الجزایر در اثر حضور و تسلط فرانسویان اجتماعی دوگانه و متضاد شمرده می‌شد^(۵) از یک سو اقلیت فرانسوی پست‌های حساس و کلیدی الجزایر را در دست خود داشتند و خط و مشی‌هایی را در آنجا به اجرا می‌گذاشتند. از سوی دیگر، اکثریت مردم مسلمان الجزایر نه تنها نقشی در اداره سیاسی نداشتند، بلکه در شرایط ناگوار و فاجعه آمیزی در فقر و اختناق به سر می‌بردند^(۶).

استعمار فرانسه از ۱۹۴۵ م. به بعد جز این هدفی نداشته است که اراده ملت را در هم شکند، مقاومتش را سرکوب کند و امیدهایش را قطع سازد؛ در طی ۵ سال در برابر هیچ منطقی عقب‌نشینی نکرده، نه از ایجاد رعب و وحشت کاسته است و نه از اعمال شکنجه. استعمار با اعمال ستم بر این مردان و زنان، در واقع آنان را زیر پرچم واحدی گرد آورده است. ملت ظاهراً پراکنده که همه قربانی یک دستگاه ستمکار هستند و دشمن واحدی در برابر آنان می‌باشد^(۷).

حتی قبل از آن به عنوان ایدئولوگ و بنیانگذار فکری انقلاب خود را بر علیه رژیم پهلوی آغاز کرد. ایشان قبل از قیام به عنوان مرجع تقلید بین مردم دارای محبوبیت بود و تا هنگام وفاتش رهبر بی‌چون و چرا و منحصر به فرد بود. پس از رحلت ایشان حضرت آیه‌... خامنه‌ای کشتی انقلاب را با درایت به پیش می‌برند.

اوضاع سیاسی

چین:

کشور چین به مدت ۲۵۰ سال تحت سلطه خاندان منچو بود که به صورت ملوک الطوائفی آن را اداره می‌کردند. فساد، کشمکش‌های درونی، سوء مدیریت این خاندان باعث شده بود که مردم چین ناراضی باشند. ناراضی‌های مردم از یک سو و شکست روسیه از ژاپن در سال ۱۹۰۵ م... از سوی دیگر باعث شد که چینی‌ها به خود بیایند و باور کنند که با اتکا به قدرت خود می‌توان با استبداد داخلی و استعمار خارجی مبارزه کرد. مردم چین در سال ۱۹۱۱ م.... خاندان سلطنتی منچو را از قدرت به زیر کشیده، رژیم جمهوری در آن کشور برقرار نمودند^(۴). بعد از آن نیز کشمکش‌های سیاسی بین حزب کمونیست چین و حزب کومین تانگ ادامه داشت بویژه در ۱۵ سال قبل از پیروزی انقلاب که اوضاع سیاسی

ایران:

نوع حکومت ایران از زمانهای گذشته پادشاهی مطلقه بود. و مردم هیچ گونه مشارکتی در امور سیاسی و اجتماعی کشور نداشتند. از نظر فساد مالی اقتصادی و اداری در حالی که اکثریت مردم ایران در فقر به سر می بردند شاه و درباریان و خانواده هزار فامیل او با حیف و میل و چپاول بیت المال مشغول فساد، دزدی و خوش گذرانی بودند به همین دلیل انقلاب اسلامی ایران با پشتیبانی قاطع مردم ایران به پیروزی رسید.

اوضاع اقتصادی

چین:

اوضاع اقتصادی کشور، به دلیل عدم توانایی دولت در مهار کردن تجارت تریاک رو به وخامت گذاشت. در اواخر قرن هیجدهم، سالانه حدود هزار صندوق (هر صندوق معادل ۷۵ کیلو) تریاک از طریق هندوستان به چین وارد می شد و در سال ۱۸۳۸، یعنی یک سال قبل از شروع جنگ تریاک به مقدار بیش از هزار صندوق افزایش یافت و سبب شد، نقره که پشتوانه اصلی اقتصاد چین بود به منظور خرید تریاک از کشور خارج شود. پس از هجوم غریبها به چین، دولت‌های خارجی کلیه نقاط ساحلی چین را در اختیار گرفتند. و تجارت این کشورها در چین به طور سرسام آوری توسعه

یافت. تا جایی که نقاط روستایی کشور نیز از محصولات مصرفی خارجی در امان نبود. با قراردادهای غیر منصفانه تحمیلی از سوی کشورهای خارجی، محصولات خارجی به بازارهای چین سرازیر می شد و چون صنایع چین توانایی مقابله با آنها را نداشتند، صنعت داخلی نیز به طور کلی رو به نابودی گذاشت. رقابت صنایع خارجی، محصولات داخلی را با ورشکستگی رو به رو و فعالیت‌های اقتصادی کشور را مختل کرد. افزایش سرسام آور جمعیت، واردات بیش از صادرات، عدم تعادل بین کالاهای صنعتی و کشاورزی، همگی دست به دست هم داد و باعث ورشکستگی کامل اقتصاد کشاورزی چین شد و فقر و گرسنگی را برای مردم چین به ارمغان آورد^(۸).

بعد از جنگ تریاک و آغاز هجوم سیل آسای بیگانگان به آن کشور، سیستم اقتصاد سنتی آن کشور فرو پاشید. شکست چین از ژاپن در ۱۸۹۵ م.، واگذاری چند بندر مهم اقتصادی و تجاری آن کشور به ژاپن، پرداخت غرامت و دادن امتیازهای دیگر به سایر کشورهای اروپایی، پیروزی ناسیونالیست‌های چین در ۱۹۱۱ به رهبری سون یات سن و آغاز درگیری و جنگ‌های داخلی از یکسو و اعتصاب‌های کارگری و دهقانی و مهمتر از همه آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال بخش مهمی که از کشور چین توسط ژاپن، همه دست

به سر می‌برد. از این رو زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی برای وقوع شورش و انقلاب در الجزایر فراهم شده بود. وخامت اوضاع اقتصادی این کشور در دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ به گونه‌ای بود که فرانسویان ناچار به عقب‌نشینی و پذیرش استقلال این کشور شدند.

ایران:

در ایران قبل از انقلاب برخلاف کشورهای فرانسه، روسیه، نه تنها از نظر اقتصادی بحران و وخامت جدی اقتصادی وجود نداشت بلکه به علت افزایش ناگهانی و سریع قیمت نفت، تواناییها و قدرت اقتصادی رژیم شاه به سرعت افزایش پیدا کرده بود و مقدار زیادی از مالیاتهای صنایع و حقوق کارمندان دولت را کاهش داده و بر حقوق کارگران و کارمندان افزوده بود. همه شاخصه‌های اقتصادی در ایران در هنگام وقوع مرحله جدید انقلاب مانند درآمد سالیانه دولت، رشد اقتصادی تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه افزایش یافته و به چند برابر رسیده بودند. از این رو، خیال رژیم شاه از این جهت راحت بود و کارشناسان اقتصادی و سیاسی هیچ‌گونه حادثه غیر مترقبه‌ای را پیش‌بینی نکرده بودند.

به دست هم داده بودند تا اقتصاد پر جمعیت‌ترین کشور جهان به رکود کامل و نابودی گراید^(۹).

الجزایر:

در سال ۱۸۳۰ حاکم دولت الجزایر از دولت فرانسه خواست که بدهی‌های خود را بپردازد. فرانسویان در مقابل برای طفره رفتن از پرداخت بدهی‌هایشان، مسئله موهوم دزدی دریایی اتباع الجزایر را مطرح کردند. در مقابل دولت الجزایر که از تعلق و بهانه‌جویی فرانسوی خشمگین شده بود، نماینده آن کشور را مورد طعن و توهین قرار داد. بلافاصله فرانسویان این امر را برای حمله به الجزایر بهانه قرار دادند و با دهها هزار سرباز سواحل آن کشور را اشغال کردند. در طی مدت کوتاهی دولت الجزایر شکست خورد و تسلیم گشت و فرانسویان اموال بسیاری از مردم را به غارت بردند^(۱۰).

دو عامل استعمار و جنگهای پی در پی آزادیبخش داخلی ضربه هولناکی بر اقتصاد الجزایر وارد کرد. اراضی مرغوب کشاورزی این کشور توسط فرانسویان تصاحب گردید^(۱۱). جامعه الجزایر به طور متناوب بر اثر یک سلسله خشکسالی‌ها و بیماری‌ها، تلفات اقتصادی و انسانی بسیاری را تحمل کرد^(۱۲). و همانند کشورهای فرانسه، روسیه و چین بحرانی

اوضاع اجتماعی

چین:

دو گروه دهقانان و کارگران که اکثریت قریب به اتفاق جامعه پر جمعیت چین را تشکیل می‌دادند در برپایی و پیروزی انقلاب در این کشور نقش اساسی و مؤثری را بر عهده داشتند. اما اساس کار حزب کمونیست چین به رهبری مائو تکیه بر روستائیان و دهقانان بود، و این دهقانان بودند که تعیین کننده‌ترین نقش را در پیروزی نهایی انقلاب بر عهده گرفتند.

در چین کمونیستی امروز از هیچ رویدادی در تاریخ انقلاب به اندازه راهپیمایی طولانی دهقانان تجلیل به عمل نمی‌آید می‌توان ادعا کرد که در جریان این راهپیمای طولانی مائو از بالاترین اقدام انقلابی برخوردار بود.

زمانی که در سال ۱۹۴۹ سربازان دهقانی ارتش سرخ، پکن و دیگر شهرهای عمده چین را به تصرف خود در می‌آوردند، انقلاب چین به نقطه اوج رسیده بود. با اینکه مردم شهرها مقدم کمونیست‌ها را به مثابه نیروهای آزادی بخش گرامی داشتند، ولی طبقات شهری در پیروزی این انقلاب کمترین نقش را ایفا کردند^(۱۳).

الجزایر:

از ابتدای نهضت رهایی بخش الجزایر تا سال ۱۹۵۵ شرکت در مبارزه در انحصار

مردان بود. خصوصیت‌های انقلابی این مبارزه و ضرورت پنهان کاری مطلق چریک را ملزم می‌ساخت تا همسر خود را از فعالیت‌های خویش به طور مطلق بی‌خبر گذارد. تصمیم به شرکت دادن و درگیر ساختن زنان به مثابه عناصری فعال در انقلاب الجزایر ساده به دست نیامد، به تعبیری این خود مفهوم مبارزه بود که باید تغییر می‌کرد.

در کوهستان زنان به چریک‌هایی کمک می‌کردند که در جنگ با دشمن معلول شده یا متعاقب زخمی شدن در مناطق کوهستانی دوره نقاهت خود را می‌گذراندند. ولی تصمیم به مشارکت دادن زنان در انقلاب به مثابه عناصری که جریان انقلاب به حضور و فعالیت آنان وابسته گردد خود اقدامی کاملاً انقلابی به شمار می‌رفت. متکی کردن انقلاب به فعالیت زنان، از جمیع جهات، انتخابی دشوار بود.

از سال ۱۹۵۵ م... به بعد اقشار الجزایر در جریان مبارزه استقلال طلبانه آن کشور سهیم بودند. جبهه ملی الجزایر از سال ۱۹۵۶ م... قشرهای وسیعی متشکل از علما، رهبران سدیگاه‌ها، دانشجویان، دانش‌آموزان و... را زیر چتر خود داشت. بنابراین، نهضت آزادی بخش الجزایر یک انقلاب و حرکت به معنای واقعی مردمی و سراسری بود^(۱۴).

ایران:

همه مردم ایران اعم از شهری و روستایی،

در الجزایر ضربه پذیر شدند و هیبت و ابهت آنان در اذهان مردم الجزایر در هم شکست.

ایران:

ارتش ایران بر خلاف کشورهای فوق سانهای مدیدی بود که در هیچ جنگ خارجی شرکت نکرده بود و از هر جهت تقویت شده بود شاه ایران بیش از هر چیز به ارتش توجه داشت و اعتماد آنها را به خود جلب کرده بود علاوه بر ارتش، رژیم شاه از حمایت یک سازمان مخفی پلیسی به نام ساواک نیز برخوردار بود.

اوضاع بین المللی

چین:

پس از خاتمه جنگ جهانی دوم و شکست متحدین و در نتیجه خروج از خاک چین، شوروی و آمریکا کمک خود به دولت چین را ادامه دادند. اما پس از اختلاف بین نیروهای ملی و کمونیست‌ها و آغاز جنگ داخلی، شوروی از نیروهای کمونیست حمایت کرد، و آمریکا نیز علیرغم فساد حزب ملی از کمک به آنها خودداری ننمود (۱۵).

الجزایر:

در دهه ۱۹۵۰ م. دو حرکت ضد استعماری در منطقه خاورمیانه و آفریقا باعث

کشاورزان، کارمندان، بازاریان، روشنفکران، دانشگاهیان، روحانیون به طور گسترده در همه شهرها و روستاها علیه رژیم پهلوی دست به قیام زده، با دادن هزار شهید و جانباز به پیروزی رسیدند. عاملی که باعث حضور گسترده مردم در صحنه مبارزه شد دین اسلام بود با رهبری حضرت امام خمینی (ره) و حکومت پهلوی را به همراه نظام شاهنشاهی سرنگون کرد.

اوضاع نظامی

چین:

شکست‌های پی در پی در جنگهای تریاک، آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال چین از طرف ژاپن به جنگ داخلی نیروهای نظامی آن کشور دامن زد. و پس از پایان جنگ نیروهای نظامی آن کشور به سه گروه تقسیم شدند در نتیجه قدرت حاکم از مهمترین ابزار سرکوب که ارتش و قوای نظامی تشکیل می‌شد تقریباً محروم شده بود.

الجزایر:

ارتش استعمارگر فرانسه پس از جنگ جهانی دوم به سختی آسیب دیده و در حال فروپاشی بود این فرآیند در پیروزی انقلاب خونین الجزایر و از پای درآوردن استعمار فرانسه نقش مؤثری ایفا نمود. نظامیان آن کشور

سلطنتی، ضد استبدادی و ضد استکباری برخوردار بود و منافع نامشروع ابر قدرتها بویژه آمریکا را مورد تهدید جدی قرار داد.

مردم مسلمان الجزایر در مبارزه‌ای طولانی و خونین که حدود یک میلیون کشته بر جای گذاشت توانستند بر استعمار فرانسه غلبه کنند از این رو در حقیقت انقلاب الجزایر ضد استعماری و استقلال طلبانه به حساب می‌آید.

بر خلاف اقتصاد ایران قبل از پیروزی انقلاب، اقتصاد چین و الجزایر دچار بحران و رکود کامل شده بود. قبل از پیروزی کمونیست‌ها در سال ۱۹۴۹، جنگ‌های داخلی و اختلافات شدید بین نیروهای ملی و کمونیست‌ها اوضاع سیاسی چین را بحرانی کرده بود. در الجزایر نیز فرانسوی‌ها اوضاع سیاسی را در دست داشتند. در ایران اوضاع سیاسی رژیم شاه به واسطه مبارزه همه جانبه مردم بسیار آشفته و متشتت بود. بر خلاف ایران، نیروی ارتش در چین دچار تقسیم و اضمحلال شده بود رژیم حاکم تقریباً از ارتش محروم شده بود، در الجزایر نیز به واسطه مبارزات مردمی، ارتش فرانسه ضربه پذیر می‌نمود.

در انقلاب چین، شوروی از انقلابیون کمونیست حمایت می‌کرد. و رهبران انقلابی الجزایر نیز از حمایت آمریکا و شوروی به جهت گرایش‌های ناسیونالیستی و سوسیالیستی

تشدید روند حرکت انقلابی مردم الجزایر شد. آمریکا ملی‌گرایان الجزایر را علیه فرانسه مسلح نمود^(۱۶) و شوروی سابق هم بر خلاف روسیه زمان جنگ اول جهانی، ژست طرفداری از جهان سوم به خود گرفت. به همین دلیل از انقلابیون الجزایر در مقابل رژیم وابسته آن کشور حمایت می‌کرد^(۱۷).

ایران:

حکومت مطلقه محمدرضا پهلوی در سال ۵۷ به تنها از سوی آمریکا به عنوان بزرگترین ابر قدرت جهان پشتیبانی می‌شد بلکه از سوی کشورهای متحد آن کشور نیز قویاً مورد تأیید و حمایت قرار گرفته بود، کشورهای بلوک شرق و بویژه اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز با انعقاد قراردادهای تجاری، اقتصادی و صنعتی به طور غیر مستقیم حامی این رژیم دیکتاتور بودند و ارتش ایران به عنوان ژاندارم منطقه قویترین ارتش شده است.

نتیجه:

انقلاب چین بر علیه سرمایه داری، فتودالیسم و فساد همه جانبه رژیم حاکم بر این کشور رخ داد در حالی که مردم قبلاً در سال ۱۹۱۱ به ۲۵۰ سال سلطنت خاندان منچو پایان داده بوده و حکومت جمهوری برقرار کرده بودند. انقلاب اسلامی ایران از ماهیتی ضد

- ۴- بامداد، محمد - افسانه و حقیقت در باره مائو - انتشارات هفته - مشهد ۱۳۶۳ - ص ۲۰-۱۳.
- ۵- سرژ برشتین و دیگران - تاریخ قرن بیستم - ترجمه: امان‌الله ترجمان - آستان قدس - مشهد ۱۳۷۱ - ص ۲۰۰-۱۶۱.
- ۶- انقلاب اسلامی و انقلابهای جهان - سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع - ۱۳۷۶ - ص ۱۶۴.
- ۷- قانون، فرانتس - بررسی جامعه‌شناسی یک انقلاب، ترجمه دکتر نورعلی تابنده - انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تاریخ نشر - زمستان ۱۳۶۱ - ص ۱۴۸.
- ۸- همان - ص ۱۰ و ۱۱.
- ۹- وارددهایت - قدرت‌های جهانی در قرن بیستم - ترجمه: جلال رضایی راد - نگاه ترجمه و نشر کتاب - تهران ۱۳۶۰ - ص ۲۲۷-۲۱۶.
- ۱۰- ر.ک: گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، تاریخ کشورهای اسلامی - ناشر: آموزش و پرورش ۱۳۷۳ - ص ۱۱۷-۱۱۸.
- ۱۱- فارسون کارل - سرمایه داری دولتی در الجزایر - ترجمه: پیروز الف - بی‌جا - بی‌نا - ص ۱۰۹.
- ۱۲- آزرود روبر - تاریخ معاصر الجزایر - ترجمه: منوچهر بیات مختاری - دانشگاه فردوسی مشهد، بی‌نا - ص ۱۰۹.
- ۱۳- کاپلان لورنس - مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها از کرامول تا کاسترو - مترجم: دکتر محمد عبداللهی - ناشر: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی - چاپ اول - تهران ۱۳۷۵ - ص ۳۸۹.
- ۱۴- کورتون ماریان - تاریخ معاصر آفریقا - ترجمه: ابراهیم صدقیانی - امیرکبیر - تهران ۱۳۶۵ - ص ۲۵۴.
- ۱۵- بوریسوف او. انقلاب چین، پایگاه انقلابی منجوری و اتحاد شوروی، ترجمه: رضا رضایی ساروی، آذر نوش - تهران ۱۳۶۰ - ص ۱۱۴-۹۶.
- ۱۶- مردن روبر - بن بلا - ترجمه خلیل کوشا - سهامی انتشارات - تهران - ص ۹۶.
- ۱۷- یاکونو گراویو - تاریخ استعمار فرانسه - ترجمه دکتر عباس آگاهی - آستان قدس - مشهد ۱۳۶۹ - ص ۱۳۸-۱۳۹.

در سطح رهبری، برخوردار بودند در حالی که رژیم سلطنتی شاه در مقابل نیروهای انقلابی مردم از حمایت کامل آمریکا و غرب برخوردار بود.

این سه انقلاب در طی ۳۰ سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۹ و با فاصله‌ای تقریباً یکسان از یکدیگر (۱۳ و ۱۷ سال) حادث شده‌اند انقلاب چین به رهبری مائو براساس کمونیسم بر علیه ملی‌گرای حاکم بر این کشور شکل گرفت در حالی که در الجزایر مردم مسلمان این کشور که در مبارزه بسیار طولانی با اشغالگران فرانسوی رژیم درگیر بودند، با تکیه بر ناسیونالیسم و سوسیالیسم و با تشکیل جبهه آزادیبخش ملی الجزایر توانستند استعمار شکست داده به استقلال برسند. در ایران حضرت امام خمینی (ره) با ایدئولوژی اسلامی با تکیه بر مکتب شیعه براساس اصل اساسی «نه شرقی، نه غربی» و با هدایت توده‌های میلیونی سلطنت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را ساقط نمود و جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری کرد.

منابع و مأخذ

- ۱- امامی، حسام‌الدین - رویدادهای مهم تاریخ - سازمان انتشارات جاویدان - چاپ سوم ۱۳۶۹ / ص ۴۳۰.
- ۲- کاپلان لورنس، مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها از کرامول تا کاسترو - مترجم: دکتر محمد عبداللهی - ناشر: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی - چاپ اول - تهران ۱۳۷۵ - ص ۳۶۱.
- ۳- طلوعی، محمود - غول‌های قرن - نشر علم - تهران ۱۳۷۰ - ص ۶۸۶-۶۲۵.